



این روزنامه هر دو هفته یکبار  
نشر میشود

عنوان مراسلات

Redaktion Kaveh:  
Berlin-Charlottenburg  
Leibnizstr. 64

قیمت اشتراک سالیانه در ایران  
یک تومان  
در سایر ممالک  
پنج فرانک

# کَاوَه

۱۳۲۴

\* \* جمعه ۸ مهر ماه ۱۲۸۷ یزدگردی = ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۶ هجری \* \* Jahrg. 3 • Nr. 25 • 15. Februar 1918 \* \*

کرده اند بقدر قدرت خود در راه حفظ فارسی ادبی اهل لسان  
خدمت مینمایند. ما در این راه بامید تشویق ارباب ذوق سلیم مداومت  
خواهیم نمود.

## دوره جدید مشروطیت در ایران

یا انتخابات مجلس ملی چهارم

باز بعد از مدتی قوت و دوره یأس که بعد از واقعه هفتم محرم  
۱۳۳۴ و خروج قسمتی بزرگ از ملیون از طهران شروع شده بود دوره  
بالتسبه روشن تری در کار رخ نمائی است و باز مجلس ملی ایران که مجلس  
چهارم خواهد بود دارد منقذ میشود. مشروطیت که بعقیده ما در ایران  
ریشه پیدا کرده دیگر باسانی برانداخته نمیشود و هر وقت که بمانی برخورد  
و بجزر و زور تعطیل شود تا فرجه و فرصتی پیدا شود باز جاری میگردد.

## سومین سال کاوه

سومین سال نشر روزنامه کاوه آغاز میشود. با وجود مشکلات  
فراوانی که در کار این روزنامه از هر حیث فراهم است باز کارکنان  
اداره آن بهر ترتیبی بوده تا بحال ۲۵ شماره نشر نموده اند که رویهمرفته  
ماهی یک شماره میشود. این روزنامه با آنکه در توزیع مرتب و کامل  
آن در ایران فعلاً بواسطه جنگ بعضی اشکالات موجود است با وجود  
این ناشرین آن از شوق کار نیفتاده روزنامه کاوه را مانند نشانی از صدای  
یک ملت قدیم و مظلوم در پایتخت آلمان نگاه میدارند. این روزنامه  
بقدر مقدور مسلک خود را در طرز روزنامه نگاری حفظ نموده: معنی  
برای آزادی و استقلال ایران و تنقید دشمنان ایران کوشیده، لفظاً نیز  
در این ایام بحران زبان فارسی که بدبختانه تمام ادبای سیاسی طهران برای  
مغشوش نمودن آن زبان شریف دست بهم داده و مخلوط عجیبی از کلمات  
و تعییرات فرنگی و ترکی بعمل آورده و زبان غیر مفهومی که علامت  
آشکار انحطاط ذوق سلیم و انقراض ادبیات ملی ماست درست

دوره سابق را درست (اما خیلی درست) بخاطر بیاورند، از نبودن هیچ ورقه چاپی و روزنامه آزاد و در خفا گذشتن همه امور دولتی و انحصار مندرجات روزنامه دولتی بتعریف شکار پلنگ قبله عالم و ناز شست گرفتن از مردم و بخشیدن القاب و فروختن حکومتها و مناصب، از اغتشاش امور مالیه و فرد نویسی و مواجب سازی مستوفیان، از شیوع رشوت در امور دولتی بطور علی و رسمی و فروش مناصب مملکتی، از سفاکی و ظلم باور نکردنی حکام، از مناره سازی و گنج گیری عزیز خان سردار کل از اجساد زنده مردم، شکم پاره کردن فرهاد میرزای معتمد الدوله، دست بریدن و گوش بریدن حسام السلطنه (که بعد از یک سال حکومتش در شیراز معروف بود که یک فوج سرباز دست بریده توان گرفت) و کوبیدن سر زندهها با طقماق که شیوه ابتکاری حسام الدوله تبریزی بود و انداختن آدم در حوض آب و احاطه حوض با فراشان ترکه در دست و زدن بسر شخص از هر طرف تا مجبوراً سر را بآب فرو برده و غرق شود که از اختراعات صمد خان شجاع الدوله بود و هزاران نوع سیاستهای وحشیانه و زجرها که اهل ایران همرا میدانند و شمردن آنها دور از ذوق سلیم است، از فروش منابع ثروت مملکت و امتیازات مضره بدون اجبار و استقرضات برای صرف در هوا و هوس شخصی، از شرارت فراشان و مأمورین دولت و قتل و غارت دهات و ولایات دور دست، از چپاول حکام، از انحلال قوه قشونی معنی و بقای اسم و مواجب آن، از دسته بازی درباریان و اجرای اغراض شخصی در امور دولتی و معارضه با هر اصلاحی که جلو دخل آنها را میتوانست بگیرد یاد باید نمود.

مشروطیت ایران بلاشک اوضاع سیاسی و اجتماعی را از بیخ تغییر داد و تبدیل باحسن کرد، روح تجدد و تمدن و وطن پرستی و پیروی اصول ترقی دنیا را در ایران دمید، قدرت نا مشروع متصدیان امور عامه را کم کرد و نیز بلاشک دارای نواقصی هست که افکار عامه و مشاوره و مباحثه دائمی و تجربه سیاسی ملت آنها را بتدریج رفع خواهد کرد و نواقص دیگری پیدا خواهد شد که باز دائماً مملکت در رفع و حل آنها مجاهدت خواهد کرد و تا حیات سیاسی در ملت پایدار است مجادله و مجاهدت سیاسی نیز جاری خواهد بود. هنوز در آلمان و فرانسه و سویس مردم از نواقصی در اداره و معایبی در اوضاع بسختی شکایت دارند و کم تجربهای آنها گمان میکنند عهد لوفی سیزدهم بهتر از حاله بود لکن عقلا میدانند که دنیا روز بروز ترقی کرده و تصور آنکه پارسال بهتر از امسال بود جنون واضح است.

شمردن کارهای مفید منفی و مثبت که مشروطیت در عرض یازده سال اخیر در ایران بوجود آورده خارج از حد امکان است لکن ما ذیلاً میخواهیم سعی کنیم که قسمتی از اعمال مهمه این دوره نورانی را که میتوان آرا هنوز دوره انقلاب و بین الطلوعین مشروطیت نامید ثبت کنیم: مجلس ملی اول (از ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶) که مادر مشروطیت ایران بود و نه تنها مجلس ملی بلکه مجلس اساسی توانش نامید بزرگترین و بهترین و پر شورترین و کاریترین مجالس ملی ایران بود.

مشروطیت با حیات ایران توأم است. فقط مشروطیت باعث حیات ایران تا امروز شده و فقط مشروطیت میتواند ایران را از گرداب مهالک (اگر نجات آن ممکن و مقدر است) نجات دهد.

یک قاعده طبیعی در عالم جاری است که نقطه مدودی از اهل عقل و تجربه بی بدان برده و ملتفت شده اند و اکثریت عظیمه مردم از آن غافل اند و آن سنت اجتماعی آنست که مردم بمرور زمان از هر وضع موجود اجتماعی خسته شده و نواقص جزئی آن در انظار بزرگ گشته سینثات و نواقص دوره ماضی را فراموش کرده و از وضع حاله اظهار انزجار و ستوه میکنند و زبان بطعن و تنقید میگشایند و غالباً اگر وضع موجود دوام زیاد پیدا کند هر وضع دیگری را حتی بدترین اشکال اداره را بر آن ترجیح داده و آرزو میکنند ولو آنکه وضع فعلی بالنسبه بهترین اوضاع و دارای هزاران محسنات باشد. چون در خلقت چیز کامل مطلق وجود ندارد و هر تأسیس بشری طبعاً خالی از عیب و نقصی نخواهد بود فقط حکم بخوبی و بدی اشیاء بعنوان ترجیح و مقایسه مضرات و معایب آنها با همدیگر است در این صورت مشکل است که در مقایسه دو چیز که یکی غایب ماضی و محتاج باستمداد از حافظه است و دیگری موجود و در جلو چشم بتوان حکم دقیق و مطابق عین حقیقت داد و همین است که برای حکم عادلانه و منصفانه باید حافظه را خیلی بکار انداخت و با خون سرد مقایسه گذشته و حال را کرد.

آنها که در باب مشروطیت ایران و محاسن و معایب آن بعنوان مباحثات علمی اجتماعی حرف میزنند و تابع جوش و خروش مردم خام و عوام سرگذرها نیستند باید همان وقت که بحدت و شدت تمام از اغتشاش دیوانخانهای عدلیه و اجرای اغراض شخصی و دسته بندی در آنها، از هرج و مرج روزنامهها و فتاوی و هتاک و جلفی و سبکی آنها، از مداخله مجلس در امور خارج از دایره کار خود و واسطه بازی بعضی و کلا و سوء استعمال نفوذ و کالت در اغراض و امور شخصی، از آخوند بازی علما سوء و قضاة فاسق و دسته بازی آنها، از شرارت «مشروطه چیان» و مجاهد بازی و غارتگری و تقلب و تعدی آنها و هرج و مرج امور از این باب، از اغتشاش مملکت و نا امنی و نا فرمانی عمومی (که نتیجه طبیعی سالهای اول هر تغییر وضع و انقلاب است)، از پاشیده شدن دستگاه مملکت و قشون و بهم خوردن نفوذ دولت و بالأخره از حرص و جاه طلبی مفرط بعضی تازه چرخان کم ظرف سیاستون مشروطیت حرف میزنند باید آن طرف کار یعنی اوضاع قدیم را نیز درست بخاطر بیاورند و میان خود و خدا حق و عدالت و انصاف را میزان قرار داده نبودن مطلق هیچ نوع دیوانخانها در ایران در عهد سابق و انحصار مطلق حکم مال و جان مردم را باراده حکام کل و جزه و کدخداهای خونخوار و رشوه خوار، معدوم بودن یک دفتری در تمام ایران برای ثبت و ضبط احکام صادره، دیوانخانه رسمی نظام الملک نوری را در طهران، شرب الیهود فوق العاده محکمه بازی بعضی آخوندها و خرابی فوق التصور محاکم شرعی و ناسخ و منسوخ سی و یکم معنی مجتهدین و آیات الله و حجج اسلام را و محبسهای هولناک و وحشیانه

کردن علمای مستبد طهران که هرچندی اسباب یک انقلابی میشدند و جنگیدن با دسایس متوالیه شاه و مستبدین از جمله امور جاریه مجلس بود با آنکه هرکدام از آنها یک تاریخی است.

از اعمال عظیمه و مهمه مجلس یکی اصلاح جمع و خرج دولت بود چون که از عهد حاج میرزا آقاسی بهم خوردن موازنه ماله منشاء اختلال امور و اسباب استقرضات مضرة عهد مظفرالدین شاه گردیده بود. ناصرالدین شاه با همه اقتدار استبدادی خود نتوانست جلو این خرابی را بگیرد و عزم آهنین میرزا تقی خان امیر نظام نیز بواسطه دسایس و اسباب چینی «ارباب حقوق» بسنگ خورد.

مجلس ملی انجمن تحقیق باسم انجمن ماله مأمور اصلاح جمع و خرج کرد و این انجمن که مرکب از ۱۲ نفر بود در هفت الی هشت ماه کار دائمی و بدون راحت ۲۱ کرور و نیم تومان خرج دولت را جرح و تبدیل و ۱۵ کرور و نیم عایدات دولت را مبالغی تزیید کرد بطوریکه هشت کرور تومان تفاوت معامله شد. انجمن ماله علاوه بر جلوگیری از ضرب سکه نقره که اسباب ترقی میزان پول ایران و تنزل مقدار اقساط قروض دولتی بروس تقریباً بمقدار ۲۳۰۰۰۰۰ تومان در سال شد و تغییر اداره خالصجات دولتی و تزیید وجه اجاره اموال دولتی از قبیل خاک معدنی جزیره هرمز و جنگلهای مازندران و غیره از چهار ممر مختلف اصلاح ماله را انجام داد:

اول قطع قسمتی از مستمریات و وظایف که در ایران بر عکس واقع زیرعنوان «حقوق» معروف است. در این قسمت کار مجلس ملی در هفت ماه متوالی قریب سی چهل «کتابچه» مختلف ولایات را که جمعاً قریب چهار هزار فرد استیفا بود بایستی با کمال دقت از نظر بگذرانند و در باب قریب دویست هزار نفر مواجب خور رأی خود را بدهند. انجمن ماله مرکب بود از وکلای طهران و چندین ولایت مهم که بصیرت در باب اشخاص داشتند و قریب دوکرور تومان از این حقوق کسر کردند و قریب بنصف این مبلغ از حقوق معدودی بزرگان درجه اول و شاهزادگان بزرگ قطع شده بود مثلاً در حق شماع السلطنه که ۱۱۵ هزار تومان و ظل السلطان که قریب ۷۵ هزار تومان و کامران میرزای نایب السلطنه که ۲۹ هزار تومان و سالار الدوله و عضد السلطان که هر یک ۲۴ هزار تومان نقداً و جنساً مواجب می بردند برای هر یک فقط ۱۲ هزار تومان مقرر و باقی حذف شد (۱).

دوم جمع تفاوت عمل با اصل مالیات بود یعنی آنچه را که حکام ولایات بررور علاوه بر کتابچه جمع از مردم معمولاً اخذ میکردند با اصل مالیات جمع بندی قدیم اضافه کرد و از این ممر نیز مبلغ مهمی اضافه شد. چنانکه در یزد و کرمانشاه و کرمان و بلوچستان مبالغ کلی تفاوت عمل بر اصل جمع شد مثلاً در کرمان که اصل مالیات قریب ۴۰۰۰۰ تومان بود تفاوت

این مجلس علاوه بر قانون گذاری تکالیف عظیمه بی شماری داشت که در تاریخ شرق برعهده هیچ جمعی محول نشده است. مجلس ملی میبایستی مشروطیت را در ایران خلق کند، مملکت را از حال بی قانونی صرف و وضع اداره جانشینان هلاکو خان باوضع قانونی بیاورد، تمام اصول سیاسی و اداری و خیلی از ترتیبات اجتماعی چند صد ساله را بهم بزند و هرچه زودتر چیزی بجای آنها بگذارد، بایستی قانون اساسی برای مملکت ایران بسازد و سر هر ماده آن هفتهها و ماهها مبارزه و صرف قوای فوق العاده کند. مستبدین و خوانین و علما و ملاکین با ریشه و بسیار قوی و ملوک الطوائف و امرای نیم مستقل را بر اندازد و خانوادهاى ظلم و جور را که بیشتر از صد سال بود ریشه دوانده بودند سرنگون کند و مردم را از قید رقیب آنان خلاص نماید و راه پراشکال خود را جنگ کنان و قدم بندم طی نماید. در مقابل این مجلس تمامی قوای تاریک استبداد سیاسی و خوانین و حکام و امرا و شاهزادگان و ملاکین بزرگ صف بندی کرده و سر تاجدار مملکت را هم علاوه تمام قوای روس و انگلیس با خود همراه داشتند و از قوای قدیمی فقط علمای روحانی درجه اول و قسمتی از تجار بزرگ با مجلس باندا اعتدال خوشبختانه همراه بودند.

مجلس اول یک مرکز انقلابی درجه اول بود از جنس مجلس اساسی فرانسه در سال ۱۲۰۴ که تکالیف مجلس قانون گذار فرانسه سال ۱۲۰۶ و مجلس عالی (کونوانسیون) (۱) فرانسه سال ۱۲۰۷ و یک قسمتی هم از تکالیف هیئت مدیره سال ۱۲۱۰ هجری را نیز علاوه بر مأخذ داشت. از ابتدا قوت و قدرت آن صرف شناساندن خود شد بدولت و تحصیل حقوق لازمه برای خود. دولت این مجلس را با کمال بی اعتنائی و بعنوان یک عدالتخانه می پذیرفت لکن صدای مهیب و شور انگیز ولای ملت بزودی دولت را از اشتباه بیرون آورد و قسمت اول قانون اساسی که مشتمل بر ۵۱ اصل است در ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۴ بمضای شاه و ولیعهد رسید. ابتدا فقط وکلای شهر طهران مشغول مجاهدات بودند ولی بعدها کم کم وکلای ولایات نیز از اطراف بنای رسیدن گذاشتند و قوت مجلس بیشتر و زیادتر شد. مسأولیت هیئت وزرا در مقابل مجلس و تشکیل هیئت وزرا بترتیب فرنگی قدم دوم بزرگ مجلس بود که پس از مبارزه زیاد بالاخره با اتمام حجت تهدید آمیز مجلس بدربار در اوایل ذی الحجة ۱۳۲۴ از پیش رفت. تبعید و اخراج متفکین و ملوک الطوائف در ولایات مختلفه و کندن ریشه ظلام روز بروز مداومت داشت ولی هرکدام با یک زحمات فوق العاده و اغلب با یک انقلاب کوچک: عزل کامران میرزا عمو و پدر زن محمد علی شاه از وزارت جنگ، برانداختن حاجی آقا محسن ملاک و ملای بزرگ از عراق، سردار منصور و حاجی حمای از رشت، سپهدار از تنکابن، قوام الملک از شیراز، ظل السلطان از اصفهان، حاجی میرزا حسن مجتهد و حاجی میرزا کریم امام جمعه از تبریز، آصف الدوله از خراسان، حشمت الملک از قاین، عزل لیاخوف روسی از ریاست ایل شاهسون بغدادی، دنبال کردن مسئله فروش اسرا بترکمنها و حبس سالار معظم بجنوردی، حبس رحیم خان جلیانلو، مقهور

(۱) در کتاب «گنج شایگان» نیز که اخیراً از طرف اداره کاوه چاپ شده در این خصوص شرحی نوشته شده است.

میلی و ۱۵۰۰۰۰ تومان مرصید و دو بوجتانی که اصل مایات ۱۵۰۰۰۰ تومان بود تفاوت عمل و ۲۰۰۰۰۰۰ تومان باقی بود.

سوم نسخ قاعده نیول بود که از زمان دراز در ایران معمول شده بود. نیول عبارت از آن بود که بجای آنکه موجب ابطال حقوقها هر ساله یک محل غیر معینی حواله گشته یک محل ثابتی برای آن تعیین گزیده و اساساً ابطال مایات خود آن محل را که در مقابل موجب تعیین شده بود بجهة صاحب موجب میگذاشتند. این رسم که بمرور زمان باعث افساش همی در امر مایه و هم موجب تسخ و حکمرانی ارباب نیول بر روی گشته بود علاوه بر اینها مبلغ کمی از عایدات دولت میبایست زیرا عایدات محل بمرور زمان نسبت بیجان جمع که در موقع تخصیص آن در مقابل موجب معینی باقی بود بواسطه ترقی آلتی خیلی بالا رفته بود. مجلس ملی بواسطه نسخ نیول علاوه بر اراضی یک قاعده لاحق مآخذی برای اضافه مبالغ زیاد عایدات دولت تأسیس کرد که اگرچه در سالهای اول بر خلاف انتظار مبلغ معینی از نسخ نیول فیه حاصل نشد ولی بلاشک بتدریج بعد از اجرای کامل قانون تفاوت زیادت خواهد شد.

چهارم نسخ قاعده نسج بود که بمرور زمان ملاکین بواسطه واسطه بازی و نفوذ شخصی مایات جنسی خود را که بایستی بممال دولت بردارند در محل قیمت داده نسج کرده و وجه نقد آنرا میدواختند و لی همان میزان قیمت سال نسج قدیم را سابقان دوازده بعد از آن مداومت داده و در صورتیکه قیمت غله پنج و گاهی ده برابر ترقی کرده بود همان قیمت نسج قدیم را بطور ثابت تأدیه میکردند. نسخ این رسم از طرف مجلس ملی مبلغ زیادی بر عایدات دولت افزود و مخصوصاً در مازندران در همان سال نسخ نسج تفاوت کار از تحصیل عین جنس گندم و برنج بیشتر از چهار صد هزار تومان شد.

بقیه در شماره آینه.

## انگلیسها و جنوب ایران

فریاد روزنامه‌های ایران از دست انگلیسها بلند است. انگلیسها از وقتیکه دیدند نفوذ روس در ایران دارد نقصان مییابد و ممکن است ایران سر و صورتی کرده و در صدد پرداختن خانه خود از بیگانه برآید بر شدت مایات خود افزوده و چنان مینماید که حزم و احتیاط معمولی خود را کنار گذاشته و در صدد باشند که از گبر و دار این معرکه جهان گیر که هر چه باشد امر کوتاهی خواهد داشت استفاده نموده و متحد مقدور نفوذ خود را در جنوب ایران جایگزین نمایند که اگر فردا در موقع صلح بنا شد دستشان از مداخله‌های نامشروع در امور ایران کوتاه گردد اقلاً میخ خوبی در آن سر زمین کوبیده باشند. برای این مقصود از همان اوایل جنگ در صفحه جنوب ایران شروع بیک رشته عملیاتی نمودند که کم کم دامنه آن با ایجاد «پلیس جنوب» کشید که در حقیقت ساخلو دادن دسته مهم قشون مسلح و منظم انگلیسی است در ایالات جنوبی ایران.

انگلیسها اکنون مشغول انجام نقشه دیرینه خود هستند و آن نقشه عبارت است از تسلط بر خلیج فارس و ایالات مجاور آن. تاریخ دو قرن اخیر ایالات جنوبی ایران طوماری است از بخت و بزهای سیاسی و عطشی انگلیس در راه اجرای مقصود فوق. ایران که بجز خود انگلیس «حاجه مله» است محوف ترین و آسان ترین راه حمله پیشد است. سیروس (۱۱۴۲-۱۱۰۶ قبل از هجرت) و اسکندر (۹۵۰ قبل از هجرت) و ناصر (۱۱۵۱) در چندین قرن فاصله از همین راه بسر هند تاخته بودند و نابین نیز عبور از همین راه را برای شکست آوردن عظمت انگلیس در دیک کله خود میبخت. انگلیسها از همان وقتیکه با شاه عباس بزرگ همدمت شده و پای برتقالها را بس از بیشتر از یک قرن تسلط در جزیره هرمز (۹۱۳ تا ۱۰۲۲) در سال ۱۰۲۲ بردند در خیال دست یافتن بخلیج فارس و سرزمینهای مجاور آن بودند و این مساعرا نوشتنهایی که از آن تاریخ در دست است تأیید مینماید. چنانکه یکی از وکلای معتبر شرکت هند شرقی در موقع عهد نامه با شاه عباس (۱۰۳۰) برای بیرون نمودن برتقالها از جزیره هرمز که انگلیسها در خلیج فارس دارای بعضی حقوق مینمود نوشته: «این امر برای اطفال عزیز ما زندگی تازه خواهد بود» ولی همینکه دید شاه عباس بزرگ از مقاصد و طمعکاری آنان جلوگیری مینماید وکیل مذکور نوشت: «فتح هرمز برای انگلیس مترتب فایده نمیشود مگر آنکه جزیره مذکور بکلی در تصرف انگلیس آید مخصوصاً که شاه عباس مانع است که ما در هرمز و در سایر بنادر خلیج فارس استحکامات برپا کنیم».

تا وقتیکه پادشاهان صفویها اقتداری بود انگلیسها را بیسر نگرید که در ایران قتی علم نمایند و دوره قتل و غارت افغان (۱۱۳۵-۱۱۴۲) و جهانگیری تا در (۱۱۴۸-۱۱۶۰) تقریباً پای آنها را از ایران بریده بود ولی در دوره سلطنت کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳) از نو بر واپی گرفتند و فرمتهای تجارتی بدست آوردند و دو باره بازارشان رواجی گرفت ولی عمده پیشرفت سیاست و نفوذ انگلیس را در ایران عموماً و در جنوب خصوصاً باید از دوره پادشاهان قاجاریه دانست که جلوی سیل روسها را نتوانستند بگیرند و لشکرهای اولاد رومانوف برهنائی پترکیبر مانند بهمنهای خزائی و گرد بادهای بهاری از دامنه‌های اورال و دشتهای روسیه بطرف جنوب سرازیر شدند و کم کم تمام صفحات شمالی ایران را از منتهای نقطه غربی ماوراء ارس تا بحر خزر و ترکستان فرا گرفتند و انگلیسها را بیش از پیش مضطرب و ملتفت خطری که متوجه هند بود نمودند. از همان وقت که پترکیبر در سال ۱۱۳۵ در بندرا که بقول مورخین دروازه ایران است در ساحل غربی بحر خزر تسخیر نموده کم کم بر باکو و گیلان نیز دست یافته بود و در ۱۱۳۸ ضعف و ناتوانی شاه طهماسب دوم صفوی را غنیمت شمرده و با عثمانی عهد نامه برای قسمت نمودن ایران میبست و جانشین وی کاترین در سال ۱۱۹۸ در اشرف تجارتخانه برپا مینمود و خیالات تصرف و تسخیر میبخت انگلیسها مراستاک گشته و بر توسعه نفوذ خود در ایران بهر ترتیبی که باشد

۱۲۷۳ نمودند که مطابق فصل ششم آن: «علیخضرت پادشاه ایران قبول میفرمایند که از هر نوع ادما سلطنت شهر و خاک هرات و ممالک افغانستان صرف نظر نموده و هیچوقت از رؤسای هرات و ممالک افغانستان هیچگونه علامت اطاعت از قبیل سکه و خطبه یا باج مطالبه نمایند... و قول میدهند که هرات و تمام افغانستان را مستقل شناسند.» برار<sup>(۱)</sup> نویسنده معروف فرانسوی در این موضوع مینویسد: «این مسئله دیگر وحدت ایران را یکباره از میان برد!»

از این تاریخ بیس انگلیسها گه و بیگاه بوسایل و بهانههای بوقلمونی مشغول گریه رقاصاتی در ایالات شمالی خلیج فارس گشته و مشغول چیدن بساط اقتدار و نفوذ معنوی و مادی خود گشتند. یک قسمت مهم سیستم و بلوچستان را از ایران مجزی نموده و در تحت حمایت و اداره خود آوردند، جزایر و سواحل جنوب و غربی خلیج فارس را مانند عمان و بحرین و مسقط و غیره را که در زیر نفوذ و اقتدار یا حکومت و حمایت خود در آوردند، با شیوخ و رؤسای آن صفحات مثل شیخ عمیره مستقیماً داخل مذاکرات و معاملات شده و بدینگونه در جنوب ایران میخواهند ایجاد یک دسته مملکتهای کوچک نیم مستقلی بنمایند که برای دولت ایران نهایت اسباب زحمت و درد سر است. هر چند بچند هم دستههای کشتهای جنگی آنها در خلیج فارس که که حکم یک دریاچه انگلیسی را پیدا نموده وارد شده و با دیدن و شکوه مخصوصی نمایش داده چند نفر شیوخ ساده لوح را با لقب و نشان و حمایل فریفته و همی میخ خود را در آن نقاط محکم تر و پایه اقتدار دولت ایران را سست تر مینمایند.

انگلیسها بعملیات در حوزه خلیج فارس قانع نشده و کاروان طمع را که بداخل خاک ایران نیز رانده و مخصوصاً در ایالات جنوبی سخت دست بکار گردیدند. پس از کسب آزادی رود خانه کارون (۱۳۰۶) کشتهای شرکت لنینج انگلیسی آنرا تقریباً منحصر بعملیات خود نمودند. چون راه بین بوشهر و شیراز معروف براه قشقایی سخت بود و مناسب با توسعه تجارت هند و بریتانیای کبیر نبود شرکت لنینج در حوالی ۱۳۱۸ مشغول ساختن راهی بین اهواز و اصفهان گردید که براه بختیاری یاراه لنینج مشهور است و بتوسعه تجارت انگلیس در ایران مرکزی کمک بسیار نموده و مینماید. شرکت تلگرافات هند و اروپا نیز در سال ۱۳۲۰ خط تلگرافی در آن راه نصب نموده است. برای ترویج زبان انگلیسی خیلی اقدامات نمودند و از آن جمله «هیئت کلبسائی»<sup>(۲)</sup> و «هیئت انجمن لندن» در طهران و اصفهان و جلفا (تزدیک اصفهان) و شیراز و یزد و کرمان مدارس متعدده باز نمودند. در این راه «هیئتهای شرقی و غربی کیشیان امریکائی در ایران»<sup>(۳)</sup> کمک بسیار با انگلیسها نمودند.

کمر بستند. از اینرو که کم چه بهانهها و دست آویزهای گوناگون و چه بوسیله قرار دادها و عهد نامها باغلب جزایر مهم خلیج فارس و سواحل جنوبی و غربی آن یا دست یا قند و یا آنها را در زیر حمایت خود کشیدند چنانچه مثلاً در سال ۱۲۳۶ با هم جلو گیری از دزدان در یائی در جزیره ققم ساخلونی اقامت دادند که کم صاحب اختیار جزیره مرکور گردید. ولی عمده پیشرفت نفوذ انگلیسها را در ایران باید از آن وقتی دانست که ناپلیون را خیال هند بسر اقتاد و در ۲۵ صفر ۱۲۲۲ با فتحعلی شاه عهدنامه اتحاد و موثرت معروف را بست و با فعالیت مخصوصی شروع بانجام مقصود نمود. انگلیسها سراسیمه شده و در آن واحد دو سفیر یکی از هند و یکی از انگلستان با هزاران و عدههای چرب و نرم بایران کسب داشتند و چندان نمودند تا در ۱۲ ذی الحجه ۱۲۲۹ عهدنامه با ایران بستند که فصل اول آن بخوبی ترقی ناگهانی فوق العاده سیاست انگلیس را در ایران میرساند و فصل مذکور از این قرار است: «اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروز هر عهد و شرطی که هر یک از دولتهای فرنگ که با دولت بهیئت انگلتره در حال نزاع و دشمنی باشد بسته اند باطل و ساقط دانند. لشکر سیار فرنگیان را از حدود متعلقه بخاک ایران راه عبور بسمت هندوستان و طرف بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت بهیئت انگلتره است نگذارند که داخل مملکت ایران شود...» انگلیسها پس از این نمایش اخیر نمایش تاریخی دیگری که در ایران دادند در سال ۱۲۵۰ در موقعی بود که محمد شاه هرات را پس از ۱۰ ماه که از ۲۳ شعبان ۱۲۵۴ تا ۱۷ جمادی الآخره ۱۲۵۰ باشد محاصره نموده بود و نزدیک بود شهر تسلیم شود که انگلیسها در جزیره خارک قشون وارد نمودند و محمد شاه را مجبور نمودند که دست از محاصره بردارد. نیرنگهای انگلیسها در این موقع نمونه ایست از سیاست و حیلگری آنها و انگلیسها در این موقع رسماً تقض عهد نمودند چنانکه فصل نهم عهد نامه که در ۱۲ ذی الحجه ۱۲۲۹ با ایران بسته بودند دلیل این مدعی است و فصل مذکور از این قرار است: «اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت انگریزها در آن میان کاری نیست و هیچ طرفی را کمک و امداد نخواهند کرد مگر آنکه بخواست طرفین واسطه صلح گردد.»

خلاصه آنکه در این مورد انگلیسها موقعی برای آشنا شدن باوضاع جنوب ایران بدست آوردند ولی آشنائی عمده آنها با مردم جنوب ایران چند سالی دیرتر در ۱۲۷۳ بعمل آمد که قشون ناصر الدین شاه در تحت فرمان سلطان مراد میرزای حسام السلطنه پس از محاصره هرات در ۲۵ صفر سال مزبور شهر را تبصرّف در آورد. در این موقع باز انگلیسها بجنوب ایران قشون کشیدند و پس از تصرف جزیره خارک قریب پنج هزار قشون در بوشهر پیاده کردند و شهر را در تحت اختیار خود قرار داده و در آن واحد بطرف شمال و مغرب رانده محمزه را نیز گرفتند و بالاخره ایران را مجبور به عهد نامه ننگین ۸ رجب

(۱) ۱۸۸۸ صفحه Révolution de la Perse: Victor Bédard

(۲) Church Mission

(۳) Western and Eastern Persian Mission که قریب یک قرن است در

ایران تأسیسات دارند (۱۲۵۱) و اکنون در اورمیّه و تبریز و کرمانشاه و طهران ورشت و قزوین مدارس چند دارند چنانکه در سال ۱۳۲۵ رو بهرفته ۱۲۹ باب مدرسه در ایران داشته اند.

با یک قوه منظمی توأم نمایند که مثل قزاقخانه ایرانی مشهور افراد آن ایرانی باشند ولی با لیره انگلیسی و صاحبمنصبان انگلیسی تربیت شوند و در جنوب ایران حکم همان قزاقخانه را در صفحات شمالی ایران پیدا نماید بلکه صد درجه بدتر چونکه قزاقخانه هر چه بود و باشد در تحت نظر دولت ایران بود و پولش را دولت ایران میداد در صورتیکه پلیس جنوب بکلی حکم دست قشون اجنبی را دارد که در خاک مملکت دیگری ساخلو داده شده باشد و مأمور سرکوبی یک دسته مردمان بی گناه و بی پناهی باشد.

رفتار انگلیسها در این اواخر در جنوب رفتار قزاقهای روس را در شمال، در سال ۱۳۳۰ بیاد میآورد و مانند روسها انگلیسها هم دهات و قصبات چند را تنها محض گرفتن زهره چشم اهالی فلک زده بتوب میبندند چنانکه در اواخر سال گذشته ده نو نیریزک را و دهج یزد (تزدیک قصبه انار) و فتح آباد کرمان (وسط راه کرمان و بندر عباس) و ده چاه فارس (در شمال قصبه نیریز) را بتوب بستند و شرح این واقعات در ستونهای روزنامه های ایران انسان را متحیر مینماید. انگلیسها در مملکت بیطرف ایران اداره تفتیش مکاتیب بر پا نموده اند، در سرحد سیستان استحکامات ساخته و میسازند، از بندر عباس به کرمان تلگراف میکشند، بزور لیره کندم و حیوانات را با وجود خط و غلائی که در سرتاسر ایران حکمرواست انبار نموده و در این راه اقتدا سیاست دیرینه خود در هند نموده و برای سیر داشتن شکم سربازان خود هلاکت رعیت بیچاره را فراهم میآورند که با عرق پیشانی خود آن گندم را آبیاری نموده است. انگلیسها بقول یکی از روزنامه های ایران «با پنجه که باسم پلیس جنوب مسلح است رک حیات فارس را گرفته و میخواهند ایران را خفه نمایند.»

## اظهارات رسمی درباره ایران

مسئله ایران پس از متارکه نامه برست لیتوسک (غزه ربيع الاول ۱۳۳۶) و ماده دهم آن که راجع بایران است عطف توجه بسیاری از جراید اروپا و سیاسیون را نموده است و علاوه بر مقالات زیاد در روزنامهها اظهارات رسمی چندی نیز از جانب چندین وزیر ممالک مختلف در این اواخر در باره ایران شده است که عموماً اولین درجه اهمیت را داراست و اگر تغییرات و تبدیلاتی در اوضاع کنونی سیاسی و ملکی ممالک مذکور روی نهد میتوانیم اظهارات رسمی مذکور را اساس استقلال حقیقی ایران بدانیم مخصوصاً که اظهارات مذکور تنها از طرف یک دسته از ممالک جنگاور نبوده است بلکه از جانب هر دو طرف بوده و نکته مهم تر آنکه همان دو دولتی هم که تا بحال اسباب تمام بدبختیهای ایران بوده اند در این اظهارات مستقیماً دخیل هستند و مخصوصاً دولت موقتی روسیه که در راستی نیات نیک وی نسبت بایران جای شک و شبهه ظاهراً نموده است. و همچنین اظهارات اولیای امور دولت آلمان

و مخصوصاً ایالت فارس همیشه اسباب چینیها نموده اند که دست نشانندگان خود را بحکومت برسانند و حتی بقصد آنکه ایالت مزبور را تا حد مقدور از حکومت مرکزی مستقل نگاه دارند در صدد بر آمدند که حق الحکومه و محاراج حکومتی آن ایالت بعنوان مخصوص در بانک انگلیس (شاهنشاهی ایران) گذاشته شود و در تحت امر و نظارت مستشار بلژیکی مایه (مرنارد) باشد که در حقیقت دست نشانده انگلیسها بود. انگلیسها معادن نفت بختیاری را که یکی از پر پشت ترین معادن نفت دنیا است<sup>(۱)</sup> در مقابل مبلغ ناقابل (۲۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی نقد و ۲۰۰۰۰۰ سهام) بدست آوردند و در تادیه مبلغ قبلی هم که سالیانه باید از بابت صدی ۱۶ منافع خالص بایران پردازند هزار گربه میر قضاوند چنانچه بعنوان جبران خسارتی که در اواسط ربيع الثاني ۱۳۳۳ بمناسبت زد و خورد انگلیسها و عثمانیان بشرکت نفت رسیده از دولت ایران ادعای ۶۱۴۰۰۰ لیره انگلیسی مینمایند. انگلیسها همینکه جنگ شروع شد در اوایل سال ۱۳۳۳ با وجود بیطرفی ایران چند نفر تبعه المان را دستگیر نموده و در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ هم در بوشهر قشون پیاده نموده شهر را تصرف کردند و بیرق خود را بجای بیرق شیر و خورشید بر فراز دار الحکومه برافراشتند و بیاکتهای پستی منگه انگلیسی زدند. انگلیسها در ۱۱ محرم ۱۳۳۳ فاتحه استقلال ایران را خوانده و با تسار روس بقینه السیف ایران را نیز که عهد نامه ۱۳۲۵ ظاهراً جارج از دایره نفوذ آنان گذاشته بود بین خود قسمت نمودند و در ۴ شوال همان سال یاد داشت معروف راجع بامور قشونی و مالی را<sup>(۲)</sup> بدولت ایران فرستادند که سرچشمه بدبختیهای امروزه ایران عموماً و ایالات جنوبی خصوصاً گردیده است.

انگلیسها جواب شخصی رئیس الوزرای وقت ولیخان سپهسالار اعظم را با آنکه بهتر از همه کس میدانند که در غیاب مجلس ملی و بی خبری از اعلیحضرت شاه و حتی خود اعضای هیئت وزرا بوده و با وجود تکذیبهای رسمی دولت ایران در روزنامه های داخله و خارجه<sup>(۳)</sup> سند قرار داده و مشغول تشکیل قشون در ایالات جنوب گردیده اند.

مسئله تشکیل این قشونی که حالا بپلیس جنوب مشهور گردیده است یکی از بزرگترین خدشه هائی است که انگلیسها باستقلال ایران وارد آورده اند. صاحبمنصبی که از طرف دولت انگلیس مأمور این کار است سرتیپ پرسی سایکس<sup>(۴)</sup> است که در قشون هند سمت صاحبمنصبی داشته و در ممالک شرق و مخصوصاً ایران سیاحت و سیر بسیار نموده است. مشار الیه مدتها نیز در ایران قونسول بوده و نظر باطلاعات و معلومات زیادی که در باره ایران دارد گمان نمیرود که برای اجرای مقاصد انگلیس بهتر از او کسی را میتوانستند اختیار نمایند. مقصود انگلیسها از تشکیل چنین قشونی این است که سیاست خدعه و نیرنگ خود را در آن صفحات

(۱) رجوع شود بکتاب «کنج شایگان» صفحه ۷۰ و ۷۱ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹.

(۲) رجوع شود بشماره ۲۰ کاوه. (۳) رجوع شود بشماره ۱۶ کاوه.

(۴) Percy Sykes

دولت ایران بدخول در مذاکرات مذکوره در فوق و مأمور شدن کفیل سفارت برای این مسئله امری صکتی بمأمور خود پیلواکف<sup>(۱)</sup> داد که مطالب عمده آن از این قرار است: اولاً لزوم مقرر داشتن ترتیب عمومی تخلیه ایران از قشون روس، ثانیاً برگرداندن فوری دسته‌های قشونی که یا پریشان شده‌اند و دیگر از حیث نظامی دارای اهمیتی نیستند و یا آنکه واسطه تصرف اراضی ایران گردیده‌اند، ثالثاً مراجعت دادن هیئت نظامی که بعنوان تعلیم قزاقخانه ایرانی در ایران میباشند...

علاوه بر اینها امر مذکور متضمن لزوم اقدامات چندی نیز هم هست راجع بمنع شدن نظامیان روس از آزار رساندن بایرانیان و مخصوصاً از اجحاف و اذیت کسبه.

امر مذکور بدین جمله پایان میابد: «این مسئله باید با کمال عجله انجام یابد برای آنکه هر چه زودتر مصائبی که دوره تساری و حکومت‌های اعیانی روس بر سر ایران آورده‌اند جبران شود.»

دیگر از اظهارات رسمی مهمی که در این اواخر در باره ایران شده اظهارات ترسکی و فن کولمان<sup>(۲)</sup> وزیر امور خارجه آلمان است در تاریخ ۲۹ ربیع الاول سال حاضر در برست لیتوسک و تفصیل آن از این قرار است: ترسکی در بین مذاکره در باره تخلیه اراضی متصرفه اظهار داشت که:

«روسیه خود را موظف میدانند که هر چه زودتر قشون خود را از خاک ایران بیطرف بیرون بکشد. این قصداً جهتی نیست جز آرزوی جبران ظلم فاحشی که از طرف دولت‌های سابق روسیه بر سر این مملکت بیطرف آمده است.» پس از ترسکی فن کولمان اظهار داشت که:

«من شما را از این اظهارات تهنیت میگویم مخصوصاً که دول مرکزی نسبت بمملکت کهن سر تا پا تمدن ایران پرچوش‌ترین محبت‌ها را دارند و از صمیم دل خواستارند که این مملکت در آینده بتواند بطور آزادی بحفظ و ترقی تمدن ملی خود بپردازد.»

معلوم است که این گونه اظهارات از جانب نمایندگان سیاسی دول معظم تا چه اندازه دارای اهمیت است و بخواندن و شنیدن آن گلهای امید و بهی در گزار روان و جان هر ایرانی و ایران دوستی شکفته میگردد.

ترتیب تاریخ پس از اظهارات فوق اظهارات رسمی دیگری که در باره ایران شده و دارای اهمیت میباشد اظهاراتی است که در نهم ربیع الثانی همین سال (۱۳۳۶) در مجلس اعیان انگلیس بیان آمده و شرح آن

و عثمانی نیز در باره ایران بکلی پوست کنده و صاف و از روی حرارت و عین راستی است و معلوم است که این دو دولت معظم حقیقه از صمیم دل خواهان استقلال و پیشرفت ایران و ملت ایران هستند در صورتیکه بدبختانه اظهاراتی که از طرف اولیای دولت انگلیس در باب ایران شده باز از پیچیدگی‌های سیاسی خالی نیست و آن روشی و عزم صمیمی و صادقانه که منظور است دارا نباشد و مخصوصاً بمناسبت شرایط و قیودی که هر کلمه آنرا همراه است چنین مفهوم میشود که قصد دولت انگلیس در این موقع آن است که نه بکلی خاموش بماند که مشتت باز و کذب ادعاهای سابقش روشن گردد و نه اظهاری بدارد که پایه اقتدارش را در ایران سست نماید و بعدها هم برای وی مشکل گردد که از عهده اجرای آن برآید لهذا اظهارات خود را در باره استقلال و آزادی ایران با شرایط و قیودی توأم نموده که حقیقت آن اظهارات را بکلی بی وزن نموده و در حقیقت آنچه را با یک دست داده از دست دیگر پس گرفته است. حالا پردازیم بنقل و ترجمه اظهارات مذکور: اولاً در اواخر صفر این سال (۱۳۳۶) حکومت موقتی روسیه بیان نامه خطاب بمنتهای مسلمان منتشر نمود که متضمن اظهارات مهمه بسیار است و ما تنها بترجمه قطعه از آن که راجع بایران هم هست اکتفا مینمائیم. خطاب نامه مذکور میگوید: «ای مسلمانان شرق! ای ایرانیان، ای ترکها، ای عربها، ای هندیان! فرنگیهای جانور که تا کنون زندگانی شما را با مال و اموال شما غارت میکردند حالا میخواهند با جنگ و جدال شما را در میان خود قسمت نمایند. عهد نامه‌های سری که در دوره تسار راجع بعثمایی و تنگها بسته و از طرف کرنسکی تأیید شده بود از امروز بعبعد باطل و ساقط بودن آنها را ما اعلان مینمائیم... و همچنین باطل بودن تمام معاهده‌هایی را که در خصوص ایران میان دولت سابق روس و دولت انگلیس بسته شده است اعلان میکنیم و همینکه حرکات جنگی خاتمه یافت قشون روس را از ایران بیرون کشیده و آزادی و استقلال ایران را از هر حیث رعایت خواهیم نمود.»

بیان نامه مذکور در موقعی نوشته شده بود که هنوز مذاکرات متارکه برست لیتوسک میان بنامده بود و باین ملاحظه تخلیه ایران را موکول بپایان حرکات جنگی حواله نموده بود ولی پس از بسته شدن متارکه نامه در برست لیتوسک که دولت عثمانی نیز حاضر شد بنا بماده دهم متارکه نامه مزبور خاک ایران را از قشون خویش تخلیه نماید اولیای امور کنونی روسیه فی الفور در صدد اجرای ماده مذکور و تخلیه ایران برآمدند و در ۱۶ ربیع الاول یاد داشتی بسفارت ایران در پترسبورگ فرستادند و اخطار نمودند که بنا بماده دوازدهم (۹) متارکه نامه حاضر هستند که با دولت ایران داخل مذاکرات بشوند و جزئیات امر تخلیه را تصفیه و سایر اموری را که برای انجام اساس آزادی و استقلال و مصوبیت خاک ایران ضروری است مقرر دارند.

چند روز بعد در ۲۲ ربیع الاول ترسکی پس از دریافت داشتن یاد داشت کفیل سفارت ایران در پترسبورگ در خصوص حاضر بودن

von Kuhlmann (۲) Polivanoff (۱)

کاملاً مطابق با اصول سیاست بین المللی اظهار میدارد که عهدنامه ۱۳۲۵ روس و انگلیس که بر ضد آزادی و استقلال ملت ایران بود بطور همیشگی منسوخ است. همچنین تمام قرار دادها که پیش یا پس از عهدنامه مذکور در فوق بسته شده و یا بزور گرفته شده و هر یک از راهی در آزادی و استقلال ملت ایران رخنه وارد آورده باطل و معدوم و بی اثر خواهد بود...!

این یاد داشت در خصوص بد رفتاریهای نظامیان روس در ایران هم سخن رانده و اطمینان میدهد که «هر تبعه روسی که ایرانیان از دست بی قانون و درشتی رفتار او شکایت نمایند با تمام شدت قوانین انقلاب تنبیه خواهد شد». علاوه بر اینها ترتسی اظهار میدارد که «هیئت مأمورین ملت در زمینه روابط بین المللی نیز منتهای کوشش را بعمل خواهد آورد که خاک ایران را قشون عثمانی و انگلیسی نیز تخلیه نمایند».

این بود بطور اختصار اظهارات رسمی که در این اواخر در باره ایران شده است و اگر ظلمت نا مطبوع اظهارات انگلیسی سایه انداز گستان منور اظهارات دیگر نبود هر ایرانی میتوانست از این بیعد پای شادمانی کوبیده و وطن خود را آزاد بشمارد.

روزنامجات خارجه هم در این اواخر باحسیات خوبی نسبت بایران مسئله ایران را شرح داده و اظهار رضایت مندی از قرارداد فوق میکنند. بعضی از روزنامجات مهم هم با اشخاص سیاسی نامی در این خصوص ملاقات نموده و عقاید آنها را مینگارند. روزنامه منتشر در مونیخ «مونشر تسایتونگ» در نمره ۶ ژانویه ۱۹۱۸ مطابق ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۶ خود تفصیل ملاقات خود را با یکی از سیاسیون نامی مینویسد عقیده آن شخص درباره ایران چنین بوده است:

«ایران که تاحال بواسطه روس و انگلیس بلاهای سخت دیده و مصیبتهای زیاد کشیده امروز بطرف یک زندگی سیاسی تازه میرود. طبیعی است که فقط عقب کشیدن قشون روس از ایران آزادی ایران را ضمانت نمیکند. هنوز انگلیسها در جنوب ایران هستند و این قسمت ایران را برای ارتباط مستقیم مابین مصر و هند در دست نگاه داشته اند. انگلیس که عراق عرب و بیت المقدس را تصرف کرده و خیال پس دادن آنها را هم ندارد جنوب ایران را هم پس نخواهد داد. سیاست انگلیس در ایران یک جزو خیلی مهمی از سیاست جهانگیری این مملکت است. انگلیس که در عرض مدت این جنگ کراراً اظهار کرده است که برای آزادی و حقوق ملل کوچک میجنگد درباره ایران باید ثابت نماید که حرفهای وی از روی حقیقت بوده یا نه. عثمانی و آلمان و همچنین روسیه هم در اقدامات ایران در راه خلاص نمودن خود از چنگ انگلیس از ایران طرفداری خواهند کرد. . . . آلمان در ایران همیشه منافع اقتصادی داشته است. اساس «در باز» و تجارت آزاد باید در ایران از سر نو برقرار شود».

از این قرار است: در جلسه تاریخ فوق لرد لامینگتن<sup>(۱)</sup> در بابت «پلیس جنوب»<sup>(۲)</sup> و وضع کنونی عهد نامه روس و انگلیس ۱۳۲۵ در خواست اطلاعات کرد. لرد کروزن<sup>(۳)</sup> پس از بیان تاریخ مختصری در باب «پلیس جنوب» چنین سخن راند: «ما مایلیم که ایران در موقع جنگ بیطرف و بکلی مستقل بماند. پس از جنگ باسانی میتوان برای این مسئله (پلیس جنوب) حلی بدست آورد که دارای شرایط سه گانه ذیل باشد: اولاً موجب رضامندی حسیات ملی ایرانیان باشد، ثانیاً ترتیب امنیت راهها را فراهم آورد، ثالثاً منافع حقه تجارت را حمایت نماید. بدون وجود چنین قوه اقتدار دولت ایران مورد خطر میگردد (!). یگانه قصد دولت انگلیس آن است که این «پلیس جنوب» را یک قسمت کاری وسایل نظامی مملکت نماید. دولت انگلیس پس از مذاکره با سفیر خود در طهران این مسئله را با جدیت و حسن نیت زیاد ملحوظ داشته است».

در خصوص مسئله عهد نامه روس و انگلیس ۱۳۲۵ کروزن جواب داد: «مقصود این عهد نامه رخنه نمودن با استقلال و مصونیت خاکی ایران نبوده (!). بلکه دادن پایانی بهمچشمی دو دولت مجاور در باره ایران بود. این عهد نامه خوب یا بد منظور عمده را که باید بعمل آورد بعمل آورد. با اینهمه خیلی ها در هر موقع بدولت ایران حالی کرده اند که این عهد نامه که در واقع یک اقدام خالی از غرض و مرضی است (!) بر ضد مصونیت خاکی و استقلال سیاسی مملکت ایران و از روی نیات غیر صالحه است. این ادعا بی منی است و من آرا در این مورد با تمام قوای خود رد مینمایم. وانگهی اکنون تغییرات بزرگی که بملاحظه اتفاقات اخیر روسیه در اوضاع روی داده موقع مساعدی بدست دولت انگلیس میدهد که راستی و درستی خود را در این زمینه بناید. تاکنون چون دولت پا برجائی در روسیه نبود ممکن نشده بود در این باب اقدامی نمود ولی ما بدولت ایران اطلاع دادیم که از این بیعد

عهدنامه را (۱۳۲۵) موقتاً منسوخ میشماریم و همینکه شرایط مذکور در فوق بعمل آمد حاضریم کلیه مسئله ایران را در تحت مذاقه بیاوریم.» عقیده ما در خصوص اظهارات کروزن همانا در مقاله «انگلیسها و جنوب ایران» همین شماره کاوه بیان شده است و در اینجا دیگر عجماله تکرار مینمایم ولی هر کس اظهارات رسمی و کتبی ذیل را که باز از طرف ترتسی در ۱۶ ربیع الثانی این سال (۱۳۳۶) بسفارت ایران در پترسبورگ فرستاده شده بخواند و تفاوت لهجه آنرا با اظهارات دم بریده و ساده فریب کروزن مقایسه نماید بخوبی درمیابد که دولت انگلیس نه تنها مصمم است دست از سیاست دیرینه خود در ایران برندارد بلکه در صدد است از خالی ماندن میدان ایران از حریف روسی استفاده نموده و آنچه را هم سابق نمیتوانست بکند حالا بناید. اینک یاد داشت ترتسی: «هیئت مأمورین ملت بنا بمقررات دهم محرم ۱۳۳۶ «هیئت مشاوره کل روسیه»

(۱) Lord Lamington  
(۲) رجوع شود بمقاله «انگلیسها و جنوب ایران» همین شماره کاوه.  
(۳) Lord Curzon



فریاد گرسنها با آسمان بلند است. انبار داری و احتکار اتباع خارجه و مقاطعه چیهای نظامی روس نیز دامن زن این آتش خانمانسوز واقع شده است. این است صورتی از نرخ گندم در پاره نقاط:

کردستان . . . . .	گرم خرواری	۱۸۰	تومان
کردستان . . . . .	برنج	۶۰۰	«
ساوجبلاغ مکرری گندم	«	۱۲۰	«
تبریز . . . . .	«	الی ۷۰	«
زنجان . . . . .	«	۵۵	«
همدان . . . . .	«	۲۰	«
همدان . . . . .	نان لواش می	۱۳-۹	قران
طهران . . . . .	نان نرخ رسمی می	۴۰۴	«

اوضاع خود طهران هم تقریباً بهتر از ولایات نبوده و همان منظره هولناک در معابر و خیابانهای مرکز مشاهده میشود و دولت مجبور بهینه ده هزار خروار برنج شده که هر روز سی خروار آنرا در شش نقطه طهران دمپخت نموده بقرا و محتاجین میدهند. جمعی از وجوه تجار واعیان درصدد تأسیس یک باب دار المساکین برآمده و مقداری پول بجهت این کار جمع نموده اند. دامنه غارتگری نظامیان روس هنوز امتداد داشته و پس از غارت شهرهای ارومیه و قزوین و همدان و غیره اخیراً در موقعی که قسمتی از آنها از وان بر میگشته اند در ۲۰ ماه صفر ۱۳۳۶ بازار شهر خوی را غارت کرده اند.

بواسطه پریشانی اوضاع وعدم کفایت عده اداره قراسورانی که انگلیس و روس باخنده و نیزنگ میخواستند آنرا کاملاً منحل نموده و عوض آن «پلیس جنوب» را در جنوب و قزاق روس را در شمال روی کار آورند طرق وشوارع ناامن، راه آمد و شد قوافل مال التجاره مسدود و تجارت معطل، آدم کنی و راهزنی شیوع کامل دارد، اداره قراسورانی که فعلاً افرادش سه هزار نفر بیش نیست اتصالاً با راهزنان و دستجات دزد باوجود قلت وسایط مشغول زد و خورد بوده و اخیراً بر حسب تصویب دولت یاور لندنبرگ کفیل اداره قراسورانی در صدد تهیه دو فوج جدید قراسوران برای خراسان و مازندران میباشد.

هیئت وزرا در نتیجه کشمکشهای داخلی که عموماً از سرچشمهای خارجی تراوش مینماید و عدم اتفاق که بین احزاب سیاسی و هتاسکی روزنامهها از یک طرف و فشار متادی خارجی از طرف دیگر گرفتار بحرانهای مدید پشت سر هم بوده. اواخر ذی الحجه ۱۳۳۵ که کابینه علاء السلطنه بواسطه کناره گیری بعضی از وزرا حال تزلزل پیدا کرد در اواسط محرم ۱۳۳۶ از قرار ذیل ترمیم یافت:

علاء السلطنه (پرنس میرزا محمدعلی خان)	رئیس الوزرا و وزیر خارجه
مستوفی الممالک (میرزا حسن خان)	وزیر مشاور
مشیر الدوله (میرزا حسن خان)	وزیر جنگ
مؤتمن الملک (میرزا حسین خان)	وزیر تجارت و فواید عامه
قوام السلطنه (میرزا احمد خان)	وزیر داخله

در خصوص اوضاع اقتصادی ایران رئیس «درسدنر بانک» هوبرت گوتمان بمخبر روزنامه فوق اظهار کرده است که «ایران بدون تردید از حیث اقتصاد یک آینده درخشانی درپیش دارد فقط باید ایرانیها نگذارند که بانک شاهنشاهی از عقب کشیدن قشون روس استفاده کرده و ایران را بیش از پیش در تحت فشار اقتصادی خود آورد».

روزنامه «تگلیش روندشاو» یک مقاله در تحت عنوان «ایران تازه» نشر کرده و خیلی اظهار خوشنودی از پیش آمدهای اخیره مینماید نویسنده آن مقاله که نامش معلوم نیست مینویسد: ساعت مقدرات ایران زنگ آخری خود را زد. امید است که ایران قدر این ساعت را دانسته و رؤسائی پیدا کند که بتوانند از اوضاع امروزه استفاده نمایند».

بعد از آنکه نویسنده شرحی از اشکالاتی مینگارد که ایران در راه ترقی و در راه اداره کردن خود خواهد داشت میگوید: «خیلی بی انصافی است اگر درباره آینده این مملکت تردید کنیم. با وجود فرق مختلفه در مملکت و با وجود قبایل زیاد خودسر خیال ملت که از زمانهای شوکت و عظمت ایران باقی مانده است و یگانگی حقیقی ملت بیشتر و زیادتر از آن است که تصور میرفت و همچنین یقین است که ملت ایران استعداد فوق العاده دارد چنانچه ادبیات قدیم خیلی عالی آن که هنوز در میان ملت زنده است بطور وضوح نشان میدهد» در پایان مقاله نویسنده میگوید: «ما بایران تازه که تاریخ تولد آن روز ۱۵ دسامبر ۱۹۱۷ (مطابق با اول ربیع الاول ۱۳۳۶ است) احساسات قلبی خودمان را تقدیم میکنیم و خوشبختی او را طالبیم».

بعلاوه از روزنامجات چنین استنباط میشود که تخلیه ایران عملاً شروع شده است بطوریکه روزنامه دانمارکی «آفتن بلاد» بتاريخ ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۶ از تقلیس خبر میدهد: قونسول ایران در تقلیس اطلاع داده است که تخلیه ایران از قشون روس شروع شده لکن قشون روس در موقع مراجعت از ایران همهجا بد رفتاری میکنند و اسباب زحمت اهالی میشوند، بکلی بدون نظم از صف مراجعت میکنند و مردم را بدادن اغذیه مجبور میسازند. بایران بواسطه سربازان روسی خسارت زیادی وارد آمده است.

## نظر اجمالی باوضاع ایران

از مطالعه جراید طهران راجع باوضاع دو ماهه آخری ایران یک سلسله بد بختی از جلو چشم آدم میگردد. از آنجمله است خطی نان و کیبانی آذوقه تقریباً در تمام مملکت خصوصاً در طرف غرب که در نتیجه چپاول نظامیان عنان گسیخته روس و بی بودن خود اهالی باندازه بالا گرفته که در بعضی نقاط گندم خرواری بصد و هشتاد تومان و برنج بشصده تومان رسیده و فقرای اهالی از شدت گرسنگی در معابر تلف میگردند. هر طرف مردم دسته دسته بتلگرافخانهها ریخته از مرکز استمداد میکنند و

متفقین که باعث افروختن این آتش خانمان سوز شده اند هنوز هم از خونریزی سیر نشده و حاضر بصلح نمودن نیستند. بدیهی است همانطور که امسال مغبون هستند سال آینده هم نأسف خواهند خورد که دست آشتی و برادری را که امروز از برست لیتوسک بطرف آنها دراز است عقب رانند.

مذاکرات برست لیتوسک هم هنوز بجائی نرسیده و تنها با نمایندگان مملکت از نو حیات یافته اوکرائی که بیشتر از ۶۰ کرور جمعیت و یک برابر و نیم مملکت فرانسه و سعت دارد مذاکرات بجائی رسیده و خیلی احتمال می رود که بصلح کامل منتهی گردد.

اوضاع روسیه نهایت پریشانی را حاصل نموده است. هر روز قسمتی از مملکت روسیه مجزئی شده و استقلال کامل خود را اعلان مینماید. فلاندرها که چگونگی تاریخ آن در شماره ۹ کاوه مندرج است میتوان از این پس جزو ممالک مستقل دانست چون علاوه بر دولت آلمان و متحدین وی دول بیطرف سوئد و دانمارک و حتی دولت فرانسه هم استقلال آنرا تصدیق نموده اند.

مجلس اساسی روسیه که در ۶ ربیع الثانی باز شد عمر کوتاه داشت و بعد از دو روز بسته شد. ولی پریشان تر از اوضاع روسیه اوضاع رومانی است که پس از آنکه بیشتر از دو ثلث آن بدست متحدین افتاد و بمناسبت پیش آمدهای روسیه روابط وی با سایر ممالک اتفاق تقریباً گسیخته شد اکنون پس از اتمام حجتی که در ۴ ربیع الثانی روسیه بوی فرستاد با دوست و پشتیبان قدیمی خود هم باید دست و گریبان شود و لرزان و هراسان باشد که در میان دوسنگ آسیای آلمان و روسیه خرد و خیر نشود. اگر حمله هوایی را نیز که در شب ۱۸ ربیع الثانی از طرف هوا نوردان آلمانی تقریباً با ۵۰ خروار نارنجک در جواب حمله های جزئی هوا نوردان فرانسوی در بعضی از نقاط صفحات جنوبی آلمان بر شهر پاریس بعمل آمده ذکر نمائیم دیگر واقعه مهم ذکر نشده نماند.

\* \* \*

پس از نوشتن سطرهای فوق خبر صلح نمودن دول اتحاد با جمهوری اوکرائی در شب ۲۷ ربیع الثانی (۱۳۳۶) و قطع جنگ با روسیه در ۲۸ همین ماه مارا مجبور بافزودن این چند کلمه نمود و امید است که بعدها در این دو موضوع شرح و بسط کافی بدهیم.

## انجمن آلمان و ایران

جنگ عمومی کنونی که تا بحال چندین کرور نفس را بچنگال مرگ داده و هزارها کرور پول را یا در سینه دریاها خوابانده و یا دود نموده و با آسمان فرستاده دارای بعضی منافع نیز بوده و هست و از آنجمله است معاشرت و آمیزش ملت های مختلف با هم که مغرب را با مشرق و شمال را با جنوب آشنا نموده است. مخصوصاً اوضاع و احوالات ایران تا پیش

مستشار الدوله (میرزا صادق خان) وزیر پست و تلگراف  
ممتاز الدوله (میرزا اسمعیل خان) وزیر مالیه  
نصر الملک (حسنعلی خان) وزیر عدلیه

ولی هیئت دولت مذکور بی آنکه قوامی پیدا کند در اوایل ماه صفر ۱۳۳۶ مجبور باستعفا گردیده متعاقب آن در ششم همان ماه کابینه شاهزاده عین الدوله شامل اعضای ذیل روی کار آمد:

شاهزاده عین الدوله (سلطان عبد الحمید میرزا) رئیس الوزرا  
قوام السلطنه (میرزا احمد خان) وزیر داخله

علاء السلطنه (پرنس میرزا محمد علی خان) وزیر خارجه  
مشیر الدوله (میرزا حسن خان) وزیر جنگ

مشار الملک (میرزا حسن خان) وزیر مالیه  
مخبر السلطنه (مهدیقلی خان) وزیر عدلیه

امین الملک (دکتر اسمعیل خان) وزیر پست و تلگراف  
مؤتمن الملک (میرزا حسین خان) وزیر تجارت و فواید عامه

وثوق الدوله (میرزا حسن خان) وزیر علوم و اوقاف

این هیئت دولت نیز بواسطه عدم اعتماد و مخالفت اهالی تبریز نسبت بیاره اعضای آن و اصرار در تغییر و تبدیل آنها چندان اساس محکمی نداشته و با تمایل چند نفر از وزرا بکناره گیری حال بجران تا این اواخر امتداد داشته و تکلیف برای دولت معین نیست.

حاجی محشم السلطنه (میرزا حسن خان) بسمت پیشکاری آذربایجان معین و در ۲۲ صفر ۱۳۳۶ حرکت نموده و بعضی از حکام ایالات نیز عوض شده اند.

اختلاف مابین مجاهدین مازندران معروف بچنگلیها (در تحت ریاست میرزا کوچک خان رشقی) با مأمورین دولت بالاخره منجر بزد و خورد شده و مجاهدین تامنجیل جلو رفته طارم علیا و سفلی را تصرف کرده و از قبول نایب الحکومه مرکز امتناع ورزیده اند.

## خلاصه وقایع جنگ فرنگستان

در این اواخر که سرمای زمستان موقتاً یابانی بغرش توپ و تفنگ داده و سربازان کارزارهای خونین سال پیش را یک دم راحتی بخشوده دوره پیکار سیاسی شروع شده و پشت سر هم نطقهای رسمی سخن مجلسهای ملی را فرا گرفته و ستونهای جراید را پر مینماید. پس از لویدجرج رئیس الوزرای انگلیس و ویلسون رئیس جمهوری ینگلی دنیا هر تلینگ صدر اعظم آلمان و جرین رئیس الوزرای اتریش نطقهای مهم نمودند و روی هم رفته نتیجه تمام این نطقها مطابق مقررات مجلس مشورتی که متفقین در دهه سوم ربیع الثانی در ورسای نزدیک پاریس نمودند این است که

## جشن ایرانیان برلن

بمناسبت ماده دهم تارکته نامه که در تاریخ غرة ربيع الاول بين نمايندگان دول اتحاد از طرفی و نمايندگان روسيه از طرف ديگر راجع بتخليه ايران از قشون خارجي بسته شده ايرانيان مقيم برلن در صدر انعقاد مجلس جشنی بر آمدند که در آنجا سياستگذاري خود را در مورد ماده مذکور اظهار داشته و اميد واري خود را نیز از آنکه دولتهائی که در برست ليتوسک مشغول مذاكرات صلح بودند در بي اين اولين اقدام حيات بخش اقدامهای فعلي ديگري نیز که برای تکميل استقلال ايران لازم است بعمل خواهند آورد کوشزد نمايند. بنابراین دعوت نامه جاني از طرف قاطبه ايرانيان مقيم برلن فرستاده شد و قريب ۲۰۰ نفر از محترمين شهر از اعيان و اشراف و روزنامه نگاران و اجزاء سفارتخانهها از آلمانی و غيره و مخصوصاً از دوستان عثمانی و مصري وهندي و ساير شريفون در شب پنجشنبه ۲۷ ربيع الاول در تالار بزرگ مهمانخانه «اسپلاناد» که از مهمانخانههای درجه اول برلن است گرد آمدند. در ميان حاضرین اشخاص ذيل ديده ميشدند: شاهزاده هنکل دترسبارک (۱) جناب ايمهف پاشا (۲) جناب راشدو (۳) سفير سابق آلمان در برتغال، بارن فن ريشتهفن (۴) شارژدافر سابق آلمان در ايران و عضو مجلس رايشتاگ، دكتور زودکوم (۵) عضو رايشتاگ، بارن اوپنهايم (۶) وزير مقيم سابق آلمان در مصر، فن گلازناپ (۷) نايب رئيس بانک دولتي آلمان، جناب ادم بیک مستشار سفارت عليه عثمانی، جناب شيخ شريف صالح، جناب اميرشکيب ارسلان عضو مجلس ملی عثمانی، ترومان مستشار (۸) در وزارت امور خارجه، جناب دكتور فن لوشان (۹) مستشار دولتي آلمان و فن وزندنک (۱۰). بعلاوه از مبلين بزرگ آلمانی نیز چند تنی حضور داشتند از قبيل دكتور فراتر اوپنهايم (۱۱) معلم در علوم اقتصادي و دكتور شيان (۱۲) مؤرخ مشهور و پرفسور مارکوارت (۱۳) پهلوئ شناس بزرگ و پرفسور ميتوخ (۱۴) رئيس اداره انطباعات شرقيه و عربي دان بزرگ و غيره.

بدواً آقای وحيد الملک نطق مفصلي با آلمانی نمودند و پس از آنکه تاريخ مختصري از اوضاع و بليات ايران در سالهای اخير بيان نمودند و نتايج وخيمه عهد نامه روس وانگليس ۱۳۲۵ را راجع بتقسيم ايران بمنطقههای نفوذ مختلفه که کم داشت بسلب کامل استقلال از آن مملکت منتهی ميشد خاطر نشان حاضرین نمودند سياستگذاري ملت ايران را از مسئله تخليه ايران از قشون خارجي تقديم دول اتحاد و مخصوصاً دولت امپراطوري آلمان و دولت عليه عثمانی داشته وبا اظهار اميدواري در آينده در آنچه که راجع بتکميل استقلال حقيقي ايران و فراهم آوردن اسباب آن از طرف دول اتحاد است نطق خود را پايان دادند.

(۱) Fürst Henkel Donnersmarck (۲) Imhoff Pascha (۳) Raschdau (۴) Freiherr v. Richthofen (۵) Südekum (۶) Oppenheim (۷) Glasenapp (۸) Buschberger (۹) v. Luschan (۱۰) v. Wesendeneck (۱۱) Oppenheimer (۱۲) Schiemann (۱۳) Marquart (۱۴) Mittwoch

از جنگ برای اغلب ممالک اروپا ناشناس بود و ولی پیش آمدهای جنگ کنونی قسمت مهمی از ايران را نیز میدان مبارزت جنگاوران اروپائی نمود. طاق بستان و بيستون تماشاگه ساکنان ساحل وُلگا و اَلب و اُدِر گرديد. نویسنده این سطور بشخصه دسته از اسرای فراری اتریش را دیدم که پس از فرار از روسيه و چندی اقامت در ايران از راه بغداد و حلب بمملکت خود بر میگشتند و چون از ایالات مختلف اتریش و هنگري بودند بزبان يکديگر آشنا نبودند و با هم بزبان فارسي سخن میگفتند. خلاصه نتیجه این امیزشها و رفت آمدها آن شد که اسم ايران در بعضی از ممالک اروپا و مخصوصاً آلمان بدهنها افتاد. روزنامه بنای نوشتن مقالات و نویسندگان شروع بتأليف کتابها و رسالجات در باب ايران نمودند. اقدامات و نوشتجات بعضی از ايرانيان مقيم فرنگستان و پراکندگی وطن پرستان ايراني نیز بمناسبت تهديد قشون روس ممد مسئله مذکور گرديد و تقريباً ديگر در فرنگستان عموماً و آلمان خصوصاً روزی نگذشت که اسم ايران بمناسبتی گوشزد عموم نگردد. آشنایان بتمن مملکت کهن کوروش نیز که اگر چه از حيث شماره بد بختانه بسیار اندک هستند ولی باز در هر گوشه اروپا و مخصوصاً در آلمان چند تنی از آنان وجود دارد و همچنين دوستداران فرنگی نژاد ايران این جرعه آشنائی تازه را با حرارت درونی خود مشتعل داشته و روز بروز بر وسعت دایره آن افزودند تا عاقبت ازدياد روز افزون روابط معنوی بين دو ملت آلمان و ايران و مخصوصاً آرزوی وسعت دادن دایره روابط مذکوره را در آينده لزوم ایجاد یک انجمنی را بحاله در آلمان محسوس داشت که عنصر آلمانی و ايراني گاه گاه در آنجا گرد آمده و در راه افزايش روابط مادی و معنوی و حسیات دوستانه و خالص بين دو ملت سی و کوشش نمايند. این بود که در شب ۱۷ ربيع الثاني این سال (۱۳۳۶) عده قریب به ۵۰ نفر از اشخاص محترم و بزرگان آلمانی و ايراني گرد آمده و پس از آنکه بدواً آقای تقی زاده و سپس فن هنيک وزير خارج از شغل آلمان نطقی مبنی بر لزوم و محسنات انجمن مزبور با آلمانی داشتند آقایان حاضرین نیز همراهی خویش را با چنین اساس سودمندی اظهار داشته و پس از مباحثاتی چند در خصوص بعضی از مواد نظامنامه که نوشته شده بود عده اعضای عامله معین و بانتخاب رئيس پرداخته شد و فن هنيک برياست اول و آقای تقی زاده برياست دوم و همچنين بارن فن ريشتهفن عضو ريشستاگ و کفيل سابق سفارت آلمان در ايران بنایب رئيسی اول و آقای وحيد الملک بنایب رئيسی دوم منتخب گرديدند «انجمن آلمان و ايران» ببارکی رسماً تشکیل گرديد. فردای شب مزبور چندین روزنامه آلمانی شرح انعقاد انجمن مذکور را نوشته و شمه از فوايد و منافع آنرا ذکر نموده بودند. ما بحاله در این باب باین مختصر اکتفا نموده بدهما در موقع خود در خصوص «انجمن آلمان و ايران» و نظامنامه و صندوق وی شرح و تفصيل کافی خواهيم داد.

# بهترین تألیفات فرنگیها در باره ایران

مقدمه

قرنهای مدید مملکت وسیع ایران را اروپائیان بجهت دور افتادن آن مملکت از قطعه اروپا و سختی راههای مناقلات و نداشتن وسائل مسافرت و سیاحت بخوبی نشناخته بودند. از قرن یازدهم هجری باینطرف کم کم بعضی از سیاحان ملت‌های مختلف بزم تجارت و سیاحت باین مملکت آمده و پس از مراجعت بوطنهای خود بعضی کتابها در آن باب نگاشته‌اند. این کتب و پاره حکایات و روایات و افسانه‌های دیگر که از دیر زمان در خصوص ثروت این مملکت و عظمت و اقتدار سلاطین آن کوشزد اروپائیان گردیده یک میل و رغبت زیاد بشناختن این کشور قدیم که در تاریخ همه ملل نامی از آن برده شده در مردم فرنگ حاصل کرده بود.

از یک طرف از اثر تحریک و تشویق این قبیل سیاحتها و حکایتها و از طرف دیگر بمقتضای سیاست جهانگیری و استیلا که از قرن دوازدهم هجری دایره خود را وسعت داده است بسیاری از فرنگیان بممالک شرق آمده و مدتها در آنجاها بسر برده و خیلی از آثار عتیقه و منسوجات و محصولات این ممالک را باو طمان خود تحفه برده بیش از پیش باز زیاد رغبت مردم فرنگ و تولید حرص و طمع سلاطین آن بممالک شرق سبب شدند. ولی درین این قبیل سیاحان و مامورین سیاسی بعضی از مدققین و دانشمندان نیز با کشفیات و زحمات و اطلاعات خود بمالک علم و معرفت خدمتی بزرگ نموده‌اند. از قرن یازدهم باینطرف و مخصوصاً از زمان شاه عباس بزرگ روابط ایران با خارجه زیاده‌تر شده است و از قرن دوازدهم که دول بزرگ اروپا باصول استعمار و استملاک در آسیا و آفریقا و استرالیا اهمیت زیاد داده و قطعات بزرگ هندوستان و جاوه و استرالی و آفریقا را میان خودشان تقسیم و تصرف نموده‌اند یک رشته بزرگی در سیاست اروپائیان بوجود آمده و بتشکیل وزارت باس و وزارت مستملکات احتیاج افتاده است. در نتیجه این اختلاط مغرب با مشرق برای ارباب علم و اطلاع و طالبان و منتجان احوال ام یک میدان وسیعی در زیر اسم مستشرق یعنی شرق شناسی باز گردیده است.

در ظرف این دو قرن گذشته کشفیات تازه راجع بانوار تمدن ملت‌های قدیم آنقدر فراوان شده و دایره میدان تدقیق و تتبع بحدی وسعت یافته است که راجع بهریک از ممالک مشرق زمین از قبیل مصر و چین یک رشته مخصوص و یک دسته اشخاص متخصص بعمل آمده است. همچنین بسیاری از این مستشرقین بعلوم و آثار عربی اشتغال ورزیده و عنوان متبیین مدنیت عرب احراز کرده و گروهی دیگر که با آثار هند و ایران و عبارت وسیع‌تر بتدقیق تمدنات نژاد آریا مشغول شده‌اند عنوان «هند شناس» و «ایران شناس» و یا «آریا شناس» را گرفته‌اند.

پس از ایشان بارتون فن ریشته‌ن عضو رایش‌تاک که از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ کفیل سفارت دولت آلمان در ایران بود نطق مفصلی نمودند و پس از تأیید گفته‌های آقای وحید الملک و اظهار امیدواری کامل از آنکه ملت ایران که همواره در جریان تاریخ دارای قوه تاب و ثبات فوق بیانی بوده و هنوز هم هست البته از نوطی مراتب ترقی را نموده و روی استقلال و سروری کامل را خواهد دید باهمیت مسئله تجارت و اقتصاد ایران پرداخته و با کلمات امیدواری و اطمینان نطق خود را پایان دادند.

پس از ایشان جناب امیرشکیب ارسلان عضو مجلس مبعوثان عثمانی از روی حرارت و تأثر نطقی بزبان فرانسه نمودند و در ضمن سخن فرمودند که موجب آزادی ایران انقلاب روسیه است که آفریده تیغ توانای هیندنبورگ است. جناب مشار الیه پس از ذکر خیر اولیای امور امروزه روسیه و تحسین صداقت و نیکخواهی آنان شرحی راجع بنیات بد و رفتار زشت انگلیس و فرانسه بیان فرموده و بجمله ذیل نطق خود را پایان دادند:

«من از بابت آزادی ملت بلند پایه ایران نه تنها دول اتحاد را بلکه تمام عالم انسانیت را تهنیت میگویم.»  
مجلس جشن تقریب نیمه شب برپا بود و مدعوین پس از صرف چای و شیرینی و غیره متفرق شدند. فردای روز مذکور چندین روز نامه مهم در باب مجلس جشن مذکور شرح و تفصیل نوشته بودند.

## میزان تمدن اروپا

عدهٔ بیسواد در ۱۰۰,۰۰۰ نفر	فرانسه ۲۲۰ انگلیس ۱۰۰ آلمان ۲۰
مصرف مدارس در سال	فرانسه ۳۲۱,۲۵ میلیون انگلیس ۴۸۰ میلیون آلمان ۱۰۹۷,۵ میلیون فرانک
عدهٔ کتابهای مطبوعه در سال	فرانسه ۹۶۰ انگلیس ۳۶۰ آلمان ۳۴۰
جایزه نوبل	فرانسه ۲ انگلیس ۳ آلمان ۱۴
تصدیقنامه اختراع	فرانسه ۱۵۶ انگلیس ۱۸۱ آلمان ۷۱۹۴

این قبیل آثار و رسائل و جراید و جُنگهای معتبر بقدری زیاد است که در هر یک از کتابخانهای عمومی ملی و یا پادشاهی مملکتهای اروپا چندین هزار نسخه در باره هر یک از ملل مشرق موجود است و اغلب کتابفروشان مهم بلاد بزرگ فرنگ فهرستهای مفصل مخصوص بهر یک از ملتها و زبانهای آسیا و آفریقا و استرالی و غیره بچاپ رسانده و بارباب تنبع و تدقیق و تحصیل میفرستند.

اقرار باید کرد که در حکم امروز بسیاری از این فضلا و هنرمندان درباره مملکت ایران بیشتر و بهتر از ما اطلاع دارند، و قوف آنان بر تاریخ گذشته و بر آثار باقیه و اوضاع اجتماعی و دینی و علمی و فنی اجداد ما بمراتب زیاده است مثلاً در ایران یک نفر پیدا نمیشود که آشنا بزبان فرس قدیم و زبان پهلوی و سانسکریت و آوستا بوده باشد و یاد آن باب اطلاعات و معلومات صحیح کافی داشته باشد در صورتیکه برای هر یک از شعبه‌های این السنه چندین علمای متخصص مدقق در اروپا هست و در سایه مساعی متانی اینهاست که خطوط میخی را که زبان فرس قدیم با آن نوشته شده است و همچنین زبان پهلوی و آوستا و سانسکریت و غیره کشف و حل گردیده و در سایه تدقیقات اینهاست که امروز ما میدانیم پادشاهان پیشین و نیاگان دیرین ما چه زندگی داشتند. چطور حرف میزدند، چگونه پرستش میکردند و در کتیبه‌های بیستون و نقش رستم و نقش رجب و حاجی آباد و استخر و غیره چه چیزها برای ما یادگار گذاشته و چه درسهای عبرت بما داده‌اند.

بهمان درجه که بزرگان و ارباب فضل و دانش ایران در باره تمدن قدیم و آثار و زبان و مذاهب و تاریخ حقیقی مملکت خود اطلاعات کافی ندارند طبقات متوسط ملت ایران نیز در خصوص احوال و اوضاع امروزی ایران و کیفیت جغرافیائی و وضع زراعتی و تجارتی آن بکلی بیخبرند و در جلو وضع ناگوار سیاسی که در این سالهای اخیر روی داده و ایراز را مطمح انظار استیلا و حرص و طمع دول زبر دست کرده همگی مأیوس و نومید گردیده‌اند. روضه خوانهای جراید، سرزنشها و بدگوئیهای جوانان فرنگی مأب و تقلید پرست بی بهره از علم و معرفت که جز تنقید و بدگوئی و اظهار نفرت فضیلت دیگر ندارند مردم ایراز را طوری سست و مرده دل و افسرده کرده است که شوق و ذوق و شوری برای کار کردن، اقدام نمودن، قدمی در راه ترقی برداشتن در آنان نمانده است! ...

سبب عمده این وضع زیان آور اجتماعی همانا بی اطلاعی از اوضاع و آثار و ترقیات و وضع تمدن زمان گذشته ایران است. بقیده ما هر ایرانی که از تاریخ تمدن اجداد خود بخوبی با خبر بوده باشد ممکن نیست که ناامید و سست بشود، از مملکت خود عیب جوئی نکند و دوست ندارد و پرستش نکند قوت قلب بگیرد و خود را سربلند و مقتخر نشناسد. برای دادن یک تربیت سیاسی و یک متانت منوی و اخلاقی برای افراد ملت بهترین راهها یاد دادن تاریخ مدیته قدیم آن ملت است بخصوص ملتی

بدینقرار این مدققین و مستشرقین (شرق شناسان) بخزاین معلومات بشری درباره ممالک مشرق و تمدنات قدیم ملتهای آسیا و آفریقا بسی افزوده‌اند. و بسیاری از آنان در این راه زحمتهای کشیده و شدائد سخت و مصائب زیاد تحمل نموده و بلکه چند تن از آنان زندگی خود را هم در این راه گذاشته و نام خود را در سلک قربانیهای علم و معرفت درآورده‌اند.

بعقیده بعضی از مشرقیان سیاست مشرب این مستشرقین و علما و متبعان مسائل شرقی دولتهای متبوع خودشان را در استیلا و تسخیر ممالک مشرق و در تعقیب یک سیاست درشت و ظالم و شرم انگیز رهنائی کرده‌اند. و بسیاری از آنان مدافع سیاست دولت خود در بهمزدن استقلال ممالک مشرق شده‌اند و بدین جهت بجای خدمت بعالم انسانیت مایه بدبختی و زوال استقلال ملتهای کوچک گردیده‌اند.

در نظر ما اگرچه این قبیل اشخاص اهل سیاست و متعصب در میان فضلا و ادبا و شرق شناسان نایاب نیست ولی اکثریت با آنهائی است که تدقیقات و تبعاتشان از روی خدمت بعالم و قون و محض کشف حقیقت و تدقیق آثار مدیته میباشد. علاوه بر این خدمتهای این شرق شناسان آتقدر بزرگ و فایده بخش بعالم انسانیت بوده است که باره احساسات بدخواهانه و متعصبانه چند نفر معدود را در تحت الشعاع میگذارد و چند برابر تأثیرات مضره آنان را جبران میکند. وانگهی چند تن از آنان با کمال صمیمیت و درستی و حقیقت پرستی و انسانیت پروری در این رشته کوشیده و فدا کاریها کرده و قهرمان مدافعه ملتهای ضعیف و هوا خواه مدیته مشرق گردیده‌اند بدرجه که اغلب برضد منافع و مقاصد حکومت خودشان نیز قدم زده و قلم رانده‌اند.

امروز در سایه خدمات و زحمات و کشفیات همین دانشمندان و فضلا است که آثار عتیقه مشرق موزه خانههای اروپا را پر کرده و در هر یک از پایتختهای بزرگ غرب چندین تالار مخصوص با آثار مصریان و هندیان و ایرانیان و یونانیان و رومیان و فینیکیان و آشوریان و بابلیان و غیره و غیره موجود است و با یادگارهای خود انگشت شهادت برمدیته و ترقیات آن ملتهای دیرین بلند میکنند.

باز در سایه تدقیقات و کوششها و سیاحتها و جانفشانیهای همین علما و ادباست که چندین هزار جلد از نفایس آثار قلمی و خطی ملتهای مشرق در کتابخانهای معتبر اروپا محفوظ مانده و در مقابل نظر استفاده عامه گذاشته شده است و تا کنون چندین هزار جلد از کتابهای نفیس و مفیده که نسخه‌های آنها منحصر بفرد بوده است با تحمل زحمت و مخارج زیاد بچاپ رسانده و دایره اطلاعات شرقی را وسعت داده‌اند. علاوه بر این هزارها کتب فایده بخش و نادر را بزبانهای اروپا ترجمه کرده و بسیاری اثرهای خوب درباره ممالک و ملتهای خاور زمین و اوضاع اجتماعی و تاریخی و سیاسی و اخلاقی و مذهبی آنان نگاشته و بطبع رسانده‌اند.

## تجارت ایران در اود تیل (۱۳۳۱-۱۳۳۲)

ممالک	واردات	صادرات	جمع واردات و صادرات
افغانستان	۴'۸۸۶'۰۰۰	۲'۹۷۱'۰۰۰	۷'۸۵۷'۰۰۰
آلمان	۳۰'۳۷۳'۰۰۰	۲'۹۵۳'۰۰۰	۳۳'۳۲۶'۰۰۰
اتریش	۸'۹۲۳'۰۰۰	۷۱۸'۰۰۰	۹'۶۴۰'۰۰۰
بلژیک	۱۵'۳۹۳'۰۰۰	۲۲۴'۰۰۰	۱۵'۶۱۶'۰۰۰
چین	۵۳۴'۰۰۰	۱'۱۴۲'۰۰۰	۱'۶۷۶'۰۰۰
مصر	۱۳'۰۰۰	۵'۰۲۰'۰۰۰	۵'۰۴۳'۰۰۰
ممالک متحدہ امریکا	۲۲۴'۰۰۰	۱۰'۲۱۰'۰۰۰	۱۰'۴۳۴'۰۰۰
انگلستان	۹۷'۵۹۶'۰۰۰	۳۳'۳۱۹'۰۰۰	۱۳۰'۹۱۵'۰۰۰
هند (انگلیس)	۸۰'۳۵۸'۰۰۰	۲۳'۷۹۳'۰۰۰	۱۰۴'۱۵۰'۰۰۰
فرانسه و مستملکات	۱۹'۶۲۹'۰۰۰	۴'۵۸۹'۰۰۰	۲۴'۲۱۸'۰۰۰
ایتالیا	۵'۵۹۸'۰۰۰	۱۰'۴۷۴'۰۰۰	۱۶'۰۷۲'۰۰۰
هلند و مستملکات	۱'۳۷۱'۰۰۰	۱۳'۷۶۵'۰۰۰	۱۵'۱۳۶'۰۰۰
روسیه	۳۵۵'۸۸۸'۰۰۰	۳۰۲'۰۶۰'۰۰۰	۶۵۷'۹۴۸'۰۰۰
سوئد	۶۹۰'۰۰۰	۶'۰۰۰	۶۹۶'۰۰۰
سوئیس	۹۰۰'۰۰۰	۵۸'۰۰۰	۹۵۸'۰۰۰
عراق	۲۳'۳۳۹'۰۰۰	۳۶'۸۶۷'۰۰۰	۵۹'۲۰۶'۰۰۰
مجموع (باضمام ممالک دیگر)	۶۴۷'۱۶۵'۰۰۰	۴۵۵'۸۴۰'۰۰۰	۱'۱۰۳'۰۰۵'۰۰۰

در سال بارس تیل (۳۳-۱۳۳۲) که سال اول جنگ عمومی است تجارت ایران ۱۹ در صد تنزل نمود و تخمیناً به ۸۷۰'۳۳۹'۲۵۰ قران (۳۱۶'۸۸۷'۰۰۰ مارک) رسید.

بعد از آن در سال توشقان تیل (۳۴-۱۳۳۳) تجارت کل عبارت بوده است از ۸۴۱'۲۰۰'۰۰۰ قران. از این مبلغ ۳۷۷'۱۰۰'۰۰۰ قران صادرات و ۴۶۴'۱۰۰'۰۰۰ واردات بوده است.

مانند ایران که چندین هزار سال در میان استیلاهای گوناگون بسر برده و با کمال متانت روح ایرانیّت خود را حفظ نموده و این همه آثار حریت بخش در بسیاری از رشته‌های علوم و صنایع و فنون از خود بیادگار گذاشته است.

عرض عمده ما از نگاشتن این سلسله مقاله‌ها در زیر عنوان «بهترین تألیفات فرنگیها در باره ایران» این است که اولاً بسیاری از آثار فلفلی شرق شناسان را که راجع باوضاع تاریخی و علم السنه و مذاهب و آثار باقیه عتیقه و علوم و صنایع مستظرفه ایران نگاشته‌اند یاد آوری کرده و بعضی اقتباسها از آن آثار نموده و هموطنان محترم را بفضایل مدیّت قدیم ملی ایران تا یک درجه واقف گردانیم و از شکوه و عظمت دیرین ایران و از احوال فضلا و دانشمندان و پادشاهان نامدار کشور باستان آگاه سازیم و نمونه آثار عتیقه گرانبهارا که از زمان قبل از اسلام باقی مانده نشان داده فکر صحیح و محملی درباره تمدن قدیم ایران تحصیل کرده باشیم تا ایرانیان درک بکنند که در گذشته چه ملتی بوده و چه ثروت و عظمتی داشته‌اند، از نژاد چه نیاگان با عزم و همت بوده و امروز چرا بدین حال افتاده‌اند و چگونه باید خود را فرزندان لایق آن اجداد مهین قرار بدهند.

و در ثانی بدین وسیله می‌خواهیم ادبا و فضلا و دانشمندان اروپارا که درباره وطن ما اثرها نگاشته، تدقیقها کرده و زحمتهای کشیده‌اند باولاد وطن خود بشناسانیم، فضیلت و علم و فداکاریهای آنان را تذکر نمایم و بدین وسیله بقدر امکان قرض شکران و قدر دانی خودمان را نسبت باین ارباب فضل و دانش ادا کرده باشیم.

## نقل از «گنج شایگان» (۲)

تجارت ایران در عرض دو سال اول جنگ عمومی و یک سال پیش از جنگ

در سال اود تیل (۳۲-۱۳۳۱) تجارت کل ایران قریب ۲۲۱ کرور تومان بوده (۱'۱۰۳'۰۰۵'۰۰۰ قران). از این مبلغ معادل ۶۴۷'۱۶۵'۰۰۰ قران از بابت واردات و ۴۵۵'۸۴۰'۰۰۰ قران از بابت صادرات است باین معنی که صادرات دولت واردات بوده است. چه در واردات وجه در صادرات اولین مقام با روسیه است چونکه بیشتر از نصف مال التجاره که در این سال بایران وارد شده از آن مملکت آمده است و همچنین دولت صادرات ایران هم فقط بروسیه رفته است. آلمان پس از انگلیس و هند در واردات ایران چهارمین مقام را دارد در صورتیکه از حیث صادرات فقط در مقام نهم می‌آید. جدول ذیل مقام دولی را که با ایران طرف تجارت هستند از حیث صادرات و واردات بهتر مینمایاند:

## گنج شایگان

یا اوضاع اقتصادی ایران

(از سلسله انتشارات اداره کاوه)

بهترین کتابی است که در این موضوع تاکنون در زبان فارسی نوشته شده و دارای ۲۲۰ صفحه و ۲۴ جدول احصائیات و شش نقشه است. از طرف اداره کاوه بهرکس طالب باشد در مقابل پنج مارک فرستاده میشود.

در چاپخانه کاویانی در برلین چاپ شد